

نقش و تأثیر عمان در جنگ یمن

توحید محمدزاده¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره 3، پیاپی 91، پاییز 1401؛ صفحات 110 - 81

تاریخ پذیرش نهایی: 1401/08/05

تاریخ دریافت: 1401/07/15

چکیده

عربستان سعودی در ۶ فروردین ۱۳۹۴ با تشکیل ائتلافی از کشورهای عربی، تهاجم هوایی خود علیه مردم یمن را با ادعای حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی این کشور، آغاز کرد. در این عملیات، امارات، بحرین و کویت متحدان عربستان سعودی بودند و کشورهایی نظیر سودان، مصر، اردن در تحویل تسلیحات نظامی با ریاض همکاری کردند. این مقاله نقش عمان را در میانجی‌گری برای حل و فصل مناقشه یمن مورد بررسی قرار می‌دهد.

عمان در امتداد دریای عربی و در جنوب تنگه هرمز قرار گرفته است. سیاست خارجی عمان از دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر سیاست‌های سلطان قابوس بن سعید برای خروج از انزوای طلبی حاکم پیشین عمان، سلطان سعید ابن تیمور، و ایجاد همگرایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر کرده است. عمان همچنین برای حل اختلافات منطقه‌ای سعی کرده است در مواردی در نقش یک واسطه عمل کند. حضور بیشتر عمان در سیاست‌های منطقه‌ای که سعی دارد با حفظ اصل بی‌طرفی آن را پیش ببرد و در عین حال نقش فعال ولی در سایه این کشور در حل و فصل مناقشات منطقه‌ای باعث می‌شود که بررسی سیاست‌های جدید خارجی این کشور ضروری به نظر رسد.

میانجی‌گری به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای کنترل منازعه و حل و فصل اختلافات با روش‌های مسالمت‌آمیز اهمیت ویژه دارد. یکی از کشورهایی که بنا به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری خود، دیپلماسی میانجی‌گرایانه را به نمایش گذاشته، عمان است. فرضیه پژوهش این است که عمان نقش مثبتی در میانجی‌گری در جنگ عربستان علیه یمن داشته است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه میانجی‌گری به توصیف نقش و تأثیر عمان در جنگ یمن می‌پردازد. عمان با همکاری عربستان سعودی، نمایندگان ویژه سازمان ملل و آمریکا در امور یمن و طرف‌های یمنی درگیر در این کشور با هدف دستیابی به یک توافق سیاسی جامع برای حل بحران کنونی در جمهوری یمن تلاش می‌کند.

واژگان کلیدی

عمان، یمن، عربستان سعودی، انصارالله، میانجی‌گری

مقدمه

پس از چند انفجار تروریستی در ۲۹ اسفند ۱۳۹۳ (۲۰ مارس ۲۰۱۵) در صنعا که به کشته شدن بیش از صد نفر از جمله یکی از رهبران معنوی انصارالله انجامید، نیروهای انصارالله ۲ فروردین ۱۳۹۴ (۲۲ مارس) به استان تعز رفتند و در ۵ فروردین (۲۵ مارس) با حمله به سایر مناطق، تعز و مخا و لحج را تصرف کردند و به دروازه‌های عدن، پایگاه قدرت دولت هادی، رسیدند. همان روز هادی از کشور گریخت و عربستان سعودی با ائتلافی به فرماندهی خود دست به حمله نظامی زد و کوشید طی حمله‌های هوایی دولت یمن را بازگرداند.

یکی از اهداف مهم سعودی و متحدانش در یمن نبودن مقاومت در این کشور یا دست‌کم خلع سلاح آن بود. هدف دیگری که سعودی‌ها از تجاوز نظامی به یمن دنبال می‌کردند، بازگرداندن عبدربه منصور هادی به کرسی قدرت بود. در همین حال از غارت منابع نفتی و گازی در جنوب یمن نیز می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از اهداف عربستان برای تجاوز نظامی به یمن یاد کرد.

مقاومت مردم یمن از یک سو و ایستادگی انصارالله و نیز ارتش و کمیته‌های مردمی در برابر متجاوزان از سوی دیگر، موجب برهم‌خوردن همه معادلات ریاض شد. سعودی‌ها نه تنها در طول ۸ سال گذشته نتوانستند به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یابند، بلکه در باتلاق جنگ یمن گرفتار آمدند و اکنون به هر ریسمانی چنگ می‌زنند تا با کمترین هزینه از جنگ پرهزینه یمن خارج شوند. آنها در طول ۸ سال اخیر نه موفق شدند عنصر خود یعنی «عبدربه منصور هادی» را به قدرت بازگردانند و نه توانستند مقاومت در یمن را خلع سلاح و زمین گیر کنند (خبرگزاری مهر، ۵ فروردین ۱۴۰۱).

عربستان سعودی از مارس ۱۳۹۴ تاکنون حدود ۲۹ میلیارد دلار تسلیحات از دولت ایالات متحده آمریکا خریداری کرده است. افزون بر این، سعودی‌ها ۳۴ میلیارد دلار صرف خریداری تسلیحات از سایر طرف‌های آمریکایی کرده‌اند (خبرگزاری مهر، ۵ فروردین ۱۴۰۱). پیشرفت سریع فناوری‌ها به‌ویژه در زمینه صنعت حمل و نقل و ارتباطات باعث شده است روابط بین کشورها و ملت‌ها افزایش پیدا کند و جنگ‌های محدود گسترش یابد و حتی به خارج از هر منطقه سرایت کند؛ به طوری که برخی از مخاصمات دوجانبه به درگیری‌های چندجانبه و بین‌المللی تبدیل شده است.

موضوع دیگری که موجب نگرانی‌های عمیق شده، پیشرفت فناوری انواع سلاح‌های نظامی و روی آوردن کشورها به سلاح‌های کشتار جمعی است که شکل و ماهیت جنگ‌ها را دگرگون و خسارت‌های مادی و انسانی را چندین برابر کرده است. این عوامل یعنی گسترش جنگ‌ها و افزایش تلفات و خسارت‌ها باعث نفرت ملت‌ها از جنگ شده است. به تدریج افکار عمومی بیشتر ملت‌های جهان علیه جنگ بسیج شدند و دولت‌های معقول و منطقی نیز دریافتند که با وجود آرامش و صلح، بهتر می‌توانند به منافع ملی خود دست یابند و امنیت ملی خود را حفظ کنند. این تحولات، نگرش دولت‌ها را برای حل اختلافات تغییر داد و به تدریج استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز جایگزین توسل به زور شد. این روند در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سرعت بیشتری یافت و با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و امضای کنوانسیون‌های مختلف و همچنین تشکیل سازمان‌های بین‌المللی مانند جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد تلاش شد روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات قانونمند شود و بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. برای اجرای بهتر این ایده، میانجی‌گری به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای کنترل منازعه و حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز بیش از پیش از اهمیت ویژه برخوردار شد. در صحنه بین‌المللی که با مناقشات تشدیدشونده و همراه با هرج و مرج و فقدان «قواعد بازی» پذیرفته‌شده روبه‌رو است، میانجی‌گری به اندازه منازعات اهمیت پیدا می‌کند (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۱).

در غرب آسیا نیز عدم توازن ساختاری و فرآیندی، نبود نقاط تعادل و محدود بودن کانال‌های ارتباطی میان بازیگران در نظام امنیتی این منطقه سبب شده است که ترتیبات امنیتی در این منطقه در یک چرخه گذار از جنگ سرد به جنگ گرم گرفتار شود. این امر سبب شده است که برخی کشورها با درک بحران‌های خاورمیانه به‌عنوان تهدیدی برای بقای خود به دیپلماسی میانجی‌گرانه رو آورند. یکی از کشورهایی که بنا به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری خود، دیپلماسی میانجی‌گرایانه را به نمایش گذاشته، عمان است (ذوالفقاری، ۱۳۹۹: ۱۹۵).

چارچوب نظری

توماس شلینگ به‌عنوان یک نظریه‌پرداز برجسته بازی‌هاست که تمرکز اصلی او ریاضیات بازی‌ها نیست، بلکه به‌عنوان یک اقتصاددان معطوف مسئله چانه‌زنی شناخته می‌شود. از نظر او، منازعه بشری منازعه‌ای است که صرفاً به‌عنوان تضاد نیروهای متخاصم شناخته نمی‌شود، بلکه پدیده پیچیده‌تر و ظریف‌تری است که در آن غالباً دشمنی و همکاری به

طرزی پیچیده در روابط متقابل رقبا به هم آمیخته است. او منازعه را امری مسلم می‌داند، ولی ضمناً وجود منافع مشترک میان رقبا را نیز می‌پذیرد. این نظریه یک شیوه رفتار «معقول» را که متوجه پیشینه کردن ارزش‌هاست، مفروض می‌انگارد و توجه خویش را بر این واقعیت متمرکز می‌سازد که بهترین گزینه اقدام برای هر شرکت‌کننده بستگی به اعمالی دارد که وی انتظار انجام آن را از شرکت‌کننده دیگر دارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴).

پس شلینگ علاقه‌مند مسائلی نظیر اداره مذاکرات، حفظ بازدارندگی قابل اعتماد، اجرای وعده‌ها و وعیدها، چانه‌زنی و کنترل تسلیحات است. او معتقد است که غالب موقعیت‌های راهبردی بین‌المللی هیچ مناسبتی با مفهوم بازی‌های با حاصل جمع صفر ندارد. از دید وی، دو ابرقدرت نمی‌توانند به‌طور عقلائی خود را در یک رقابت با حاصل جمع صفر درگیر ببینند که به جنگ هسته‌ای می‌انجامد. حساب نهایی امتیازات در چنین بازی‌ای به احتمال بسیار نه صفر بلکه منهای دو (منهای دو ابرقدرت) خواهد بود. او کمتر به کاربرد خشونت معتقد است و بیشتر متوجه مسئله تهدید به خشونت به‌عنوان ابزاری تأثیرگذار بر رفتار طرف مقابل است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴).

شلینگ توجه خویش را بر پدیده‌ای متمرکز کرده است که گاه رابطه «دشمنی محدود» یا «نظریه شراکت لِرزان یا دشمنی ناکامل» خوانده می‌شود. این مفهوم حکایت از وضعیتی دارد که طی آن طرف‌های یک منازعه به‌رغم مخالفت راهبردی که با هم دارند، قائل به نوعی حداقل منافع مشترک، ولو در حد پرهیز از فَنای دوجانبه هستند. حتی وقتی طرف‌های درگیر بنا به دلایلی نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط مستقیم یا آشکار داشته باشند، باز هم می‌توانند با ثابت ماندن روی نکات برجسته مورد علاقه مشترک، حرکت‌های خویش را با هم هماهنگ کنند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴).

وی بازی با حاصل جمع صفر را البته به‌عنوان نقطه عزیمت تحلیل واقع‌بینانه راهبردی بلکه به‌عنوان حد نهایی منازعه محض و خالص در یک سرطیف قرار می‌دهد و در سر دیگر آن «تشریک مساعی محض» را جای می‌دهد که در آن هیچ‌گونه منافع واگرایی وجود ندارد؛ زیرا در این بازی بازیکنان همواره به اتفاق هم می‌برند یا می‌بازند. شلینگ اساساً به وضعیت‌هایی علاقه‌مند است که میان این دو حد قرار دارند؛ یعنی چانه‌زنی‌ها یا بازی‌های «با انگیزه‌های مرکبی» که هم عنصر تعارض و هم عنصر وابستگی متقابل، هم واگرایی و هم همگرایی منافع، هم پنهان‌کاری و هم آشکارسازی را دربر دارند و خود آن را «مارپیچ

تصاعدی انتظارات متقابل» می‌نامد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴).

روند تحولات نگرش دولت‌ها برای حل اختلافات و استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز جایگزین توسط به زور، از اواخر قرن ۱۹، سرعت بیشتری به خود گرفت و با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و امضای کنوانسیون‌های مختلف تلاش شد روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات، قانونمند شود. برای اجرای این طرح، میانجی‌گری به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای کنترل منازعه و حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز بیش از پیش از اهمیتی ویژه برخوردار شد.

مناقشه در طول تاریخ در همه نظام‌های اجتماعی وجود داشته است. با پیشرفت تکنولوژی، اعمال خشونت در جنگ‌ها و به‌تبع آن خسارات به‌صورت فزاینده‌ای افزایش یافت. پیشگیری از منازعات میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی در افکار عمومی مردم جهان و اندیشمندان و صاحب‌نظران اهمیت بسیاری پیدا کرده است. میانجی‌گری انواع متعددی دارد و به اندازه طرفین مختلف درگیر در مناقشه می‌تواند تنوع و گوناگونی داشته باشد.

میانجی‌گری به‌معنای اقدامی برای جلب توافق و تأثیرگذاری بر طرفین مناقشه تعریف شده است. در این تعریف توانایی میانجی برای حل مشکلات، جلب نظر موافق طرفین درگیر در مناقشه و درک وضعیت‌های متفاوت بسیار مهم است؛ بنابراین برای رسیدن به یک تعریف جامع از میانجی‌گری لازم است عناصر اساسی زمینه میانجی‌گری، طرفین مناقشه، میانجی و روش میانجی‌گری را تعریف کنیم:

۱. زمینه میانجی‌گری: زمینه میانجی‌گری در یک مناقشه زمانی فراهم می‌شود که تلاش طرفین مناقشه به بن‌بست رسیده باشد و هیچ‌یک آمادگی تحمل هزینه‌های اضافی یا از دست دادن جان افراد بیشتری را نداشته باشند.

۲. طرفین مناقشه: دو طرف مناقشه باید از نظر ذهنی و شرایط اجتماعی به‌طور کلی آمادگی حل و فصل مناقشه را داشته باشند و تا حدی به میانجی اعتماد کنند.

۳. میانجی: میانجی باید شخصیتی بی‌طرف، ماهر و غیرذی‌نفع در نتیجه حل و فصل مناقشه باشد تا بتواند به‌منظور دستیابی به توافقی پایدار در جهت تغییر و تقریب عقاید طرفین مناقشه از طریق به‌کارگیری غیراجباری ابزارهای مختلف اقدام کند.

۴. روش میانجی‌گری: تهیه یک طرح کلان و نقشه راه با توجه به شرایط مناقشه و اختلافات اساسی طرفین درگیر بسیار مهم است تا با انعطاف، حوصله و چانه‌زنی نسبت به اجرای آن

اقدام شود (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۱).

با توجه به تعاریف فوق و بررسی نظریه‌های مختلف به نظر می‌رسد بتوان یک تعریف جامع از میانجی‌گری ارائه کرد. میانجی‌گری اقدامی داوطلبانه از سوی طرف ثالثی است و زمینه فعالیت آن زمانی فراهم می‌شود که ابتکارات طرفین درگیر بی‌نتیجه و همراه با هزینه‌های غیرقابل تحمل باشد؛ به طوری که آنها از نظر ذهنی و شرایط اجتماعی آمادگی حل و فصل مناقشه را داشته باشند و میانجی‌گری را بپذیرند. در چنین شرایطی میانجی‌گری بی‌طرف ماهر با داشتن ابتکار و خلاقیت می‌تواند با استفاده از روش چانه‌زنی در جهت تغییر و تقریب عقاید طرفین درگیر به منظور تخفیف درگیری و در نهایت حل و فصل مناقشه اقدام کند.

جنگ یمن

جنگی که قرار بود دو هفته‌ای با تصرف صنعاء، پایتخت، و نابودی انصارالله و بازگرداندن عبدربه منصورهادی، رئیس‌جمهور فراری و مستعفی یمن، به قدرت به سرانجام برسد، اکنون با گذشت بیش از ۷ سال، سرانجام دیگری پیدا کرده است. این جنگ که قرار بود سکوی پرتاب عربستان برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای باشد، به مهم‌ترین صحنه شکست راهبردی آل سعود از جبهه مقاومت بدل شد. عربستان در باتلاق جنگ یمن گیر کرد و یمن به ویتنامی برای سعودی‌ها تبدیل شد. با توجه به ژئوپلیتیک منطقه حالا دیگر با بازیگر قدرتمندی به نام انصارالله روبه‌رو است که هر زمان اراده کند به راحتی می‌تواند امنیت شیشه‌ای آل سعود را به مخاطره اندازد.

یکی از اهداف مهم سعودی‌ها و متحدان‌شان در یمن نابود کردن مقاومت در این کشور یا دست‌کم خلع سلاح آن بود. در همین حال، از غارت منابع نفتی و گازی در جنوب یمن نیز می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از اهداف عربستان برای تجاوز نظامی به یمن یاد کرد.

همان‌طور که گفته شد، سعودی‌ها پیش‌بینی می‌کردند که در یک بازه زمانی بسیار کوتاه می‌توانند به همه اهداف از پیش تعیین‌شده در جنگ یمن دست یابند. با این حال، مقاومت مردم یمن از یک سو و ایستادگی انصارالله و نیز ارتش و کمیته‌های مردمی در برابر متجاوزان از سوی دیگر، موجب برهم خوردن همه معادلات ریاض شد.

عربستان سعودی از مارس ۱۳۹۴ تاکنون حدود ۲۹ میلیارد دلار تسلیحات از دولت ایالات متحده آمریکا خریداری کرده است. افزون بر این، در طول مدت زمان مذکور سعودی‌ها ۳۴ میلیارد دلار صرف خریداری تسلیحات از سایر طرف‌های آمریکایی کرده‌اند.

یعنی مقامات سعودی در طول سال گذشته حدود ۶۳ میلیارد دلار تسلیحات تنها از منابع آمریکایی خریداری کرده‌اند. البته این هزینه نه تنها دستاوردی برای ریاض نداشته، بلکه این کشور را با کسری بودجه فراگیر مواجه کرده است. جنگ یمن از سال ۲۰۱۵ تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه روی دست سعودی‌ها گذاشته است و تداوم جنگ نیز به صورت ماهانه هزینه هنگفتی را به مقامات ریاض تحمیل می‌کند (خبرگزاری مهر، ۵ فروردین ۱۴۰۱).

سعودی‌ها مدت‌هاست دریافته‌اند که در نتیجه جنگ یمن دستاوردی نخواهند داشت. از زمانی که مقامات سیاسی و فرماندهان نظامی سعودی به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند، قتل‌عام غیرنظامیان یمنی را بیش از پیش در دستورکار خود قرار داده‌اند. طبق آخرین آمار اعلامی وزارت بهداشت یمن، در نتیجه ۷ سال تجاوز نظامی مداوم به یمن بیش از ۴۷ هزار غیرنظامی شهید و زخمی شدند. در حالی که در طول مدت زمان مذکور، بسیاری از زیرساخت‌های یمن از جمله بیمارستان‌ها، راه‌ها، پل‌ها، مساجد، مدارس و غیره به طور کامل تخریب شدند. در این میان، جامعه جهانی در قبال همه جنایات سعودی و متحدانش سیاستی جز سکوت پیش نگرفتند (خبرگزاری مهر، ۵ فروردین ۱۴۰۱).

مصادره کشتی‌های حامل سوخت یمن و ممانعت از ورود آنها به بنادر یمنی موجب ظهور و بروز بحران گسترده انسانی در این کشور شده است. فقدان سوخت در یمن عملاً بسیاری از مراکز بهداشتی و درمانی در این کشور را به تعطیلی کشانده است. همین مسئله به صورت روزانه جان هزاران یمنی را در معرض تهدید قرار داده است؛ در حالی که محاصره سه‌جانبه یمن، کمبود شدید مواد غذایی و دارویی در این کشور را به دنبال داشته و یک فاجعه انسانی بی‌سابقه در این کشور را رقم زده است. همچنین در طول ۷ سال گذشته ارتش و کمیته‌های مردمی یمن بیش از ۱۰ هزار نظامی سعودی را کشتند و زخمی کردند. در عملیات‌های ارتش و کمیته‌های مردمی یمن علیه متجاوزان در طول ۷ سال گذشته بیش از ۱۲۰۰ نظامی امارات کشته و زخمی شدند. جنگنده‌های ائتلاف متجاوز سعودی در طول مدت زمان مذکور بیش از ۲۷۰ هزار حمله هوایی به نقاط مختلف یمن انجام دادند (خبرگزاری مهر، ۵ فروردین ۱۴۰۱).



اهداف آل سعود از حمله به یمن

عربستان، یمن را حوزه نفوذ و حیاط خلوت خود می‌داند و در طول سالیان بسیار بر حاکمان این کشور تسلط داشته است. اما پس از انقلاب مردم یمن، جنبش اسلامی الحوثی که ریشه در تشیع دارد، برای مقابله با سلطه دولت وهابی آل سعود تشکیل شد. این جنبش حوزه نفوذ عربستان بر یمن را به چالش کشید و عربستان سعودی با حمله به یمن و متهم کردن ایران به حمایت نظامی و سیاسی از جنبش انصارالله، خود را در موضعی تقابلی با جمهوری اسلامی ایران قرار داد. از آنجا که جنبش اسلامی الحوثی با ریشه تشیع ضدتفکرات وهابیت و آل سعود است و حضور شیعه‌های زیدی در مرزهای مشترک یمن و عربستان تهدیدی جدی برای پادشاهی این کشور است، عربستان به یمن حمله کرده است. حمایت از رئیس‌جمهور مستعفی یمن، نگرانی ایالات متحده آمریکا از گسترش جبهه مقاومت شیعی، و مقابله با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران در جهان عرب از جمله اهداف و انگیزه‌های این حمله بوده است.

عربستان تلاش می‌کند با حذف انصارالله و چینش جریان‌های همسو در ساختار قدرت یمن، نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن را به حداقل برساند. از آنجا که یمن در جنوب عربستان، غرب عمان، شرق دریای سرخ و در شمال خلیج عدن قرار دارد، اهمیتی دوچندان یافته است. یمن همچنین بر تنگه راهبردی بال‌المنذب تسلط دارد که رگ حیاتی کشورهای شاخ آفریقا، عربستان و به‌خصوص مصر در انتقال انرژی است؛ چنان که مرز مشترک با مناطق شمالی عربستان موجب اشتراک مرزی با مناطق مهم نفتی عربستان و احاطه بر آن شده است (عموری، ۱۳۹۸: ۵).

یمن به‌لحاظ ژئوپلیتیکی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و شیعیان حوثی و سنی‌های شافعی به‌عنوان مهم‌ترین گروه‌های مذهبی یمن محسوب می‌شوند. در روند جنگ با رژیم صهیونیستی، یمن با هماهنگی مصر، تنگه باب‌الندب را به روی کشتی‌ها و تسلیحات رژیم صهیونیستی مسدود و از این طریق قابلیت ارتش متخاصم را بی‌اثر کرد.

دلیل دیگری که برای تجاوز عربستان سعودی به یمن می‌توان بیان کرد تلاش این کشور برای بقای گروه‌های تکفیری و تروریستی در یمن بود. مهم‌ترین جریان‌های تکفیری فعال در یمن، القاعده و داعش هستند. به‌لحاظ امنیتی، یمن دومین پایگاه استقرار القاعده بعد از عربستان سعودی است. به‌لحاظ ژئوپلیتیکی نیز می‌توان گفت یمن محل خوبی برای رشد و

نفوذ القاعده است و هم‌جواری با سعودی و سومالی و نزدیکی به عراق و افغانستان و مرزهای باز و کنترل‌ناپذیر آن موجب شده است تا القاعده به راحتی در آن رفت و آمد کنند. بافت قبیله‌ای و حکومت مرکزی ضعیف شرایطی ویژه را برای رشد و گسترش گروه‌های افراطی فراهم کرده است (عموری، ۱۳۹۸: ۵).



جایگاه عمان در نظام امنیتی منطقه خاورمیانه

نظم امنیتی خاورمیانه از یک سو تحت تأثیر گفتمان قدرت و مداخله قدرت یا قدرت‌های خارجی شکل گرفته و از سوی دیگر، از نظر درونی نیز فاقد انسجام درونی است و به سه حوزه تقسیم می‌شود: منطقه «شامات» شامل رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب؛ خلیج فارس، و غرب که مبتنی بر روابطی متغیر و شکننده و شامل لیبی، تونس، الجزایر و مراکش است. نظام امنیتی خاورمیانه از لحاظ ساختاری و فرآیندی نیز ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که مهم‌ترین آن بی‌ثباتی به دلیل ضعف بنیادهای هنجاری و نهادی نگهدارنده دولت‌ها کنار هم است. این عامل سبب می‌شود که این منطقه به جای الگوی ثبات در برابر بحران، الگوی بی‌ثباتی در برابر بحران را به نمایش بگذارد و در نتیجه کشورها تحت تأثیر فشار سیستمی در پی زدن ضربه اول باشند. ساختار نامتوازن نظام امنیتی منطقه که خاورمیانه را در حالت جنگ سرد و حتی در مواقعی جنگ گرم قرار داده، در کنار الگوی نامتوازن فرآیندی سبب شده است که عمان بنا به الزامات ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری خود، با پیش گرفتن الگوی دیپلماسی میانجی‌گرانه، ضمن تأمین منافع ملی خود از طریق برقراری روابط



متوازن بین کشورهای متعارض، از تزايد بحران در منطقه نیز جلوگیری کند و به‌عنوان حلقه واسطی بین شبکه‌های درهم‌تنیده روابط بین‌المللی خاورمیانه الگوی منحصر به فردی از دیپلماسی را به نمایش بگذارد (ذوالفقاری، ۱۳۹۹: ۱۹۵).

عوامل مؤثر بر میانجی‌گری یمن

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۱، اعزام نیروهای نظامی ایران به عمان برای حمایت از حکومت سلطان قابوس در جنگ ظفار و مقابله با جدایی‌طلبان متمایل به کشورهای کمونیستی، موجب حفظ یکپارچگی این کشور شد. اگرچه این اقدام که با هماهنگی آمریکا و انگلستان انجام شد، تلفات جانی و مالی برای ایران داشت، اما تصویر مثبتی از نیروهای ایرانی در ذهن دولت و مردم عمان برجای گذاشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با دستور سلطان قابوس، هیئتی به سرپرستی یوسف بن علوی به دیدار امام خمینی (ره) آمدند و حمایت خود را از انقلاب مردم ایران اعلام کردند. با وقوع تحولات انقلاب نظیر استفاده آمریکا از پایگاه هوایی المصیره عمان برای اجرای «عملیات طمس» و همچنین جنگ تحمیلی، روابط دو کشور کاهش یافت (فرهیختگان، ۳ خرداد ۱۴۰۱).

مجدداً پس از پایان جنگ ایران و عراق، روابط دو کشور به تدریج گسترش یافت و با سفر محمد خاتمی در سال ۱۳۸۲، سفر سلطان قابوس در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ و دیدار با رهبر انقلاب، سفر محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۶، سفر حسن روحانی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ همراه شد و در دولت فعلی جمهوری اسلامی ایران، مسقط میزبان آقای رئیسی شد (فرهیختگان، ۳ خرداد ۱۴۰۱).

پس از انتخاب رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور، روابط حسنه دو کشور ادامه یافت و وزیر خارجه عمان در مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری شرکت کرد. سپس در دی ۱۴۰۰ امیر عبداللهیان در مسقط با همتای خود گفت‌وگو کرد. همچنین هشتمین نشست کمیته مشترک سیاسی راهبردی در تهران برگزار شد و مناسبات سیاسی دو کشور توسعه یافت. نوزدهمین کمیسیون مشترک اقتصادی با سفر وزیر صمت به عمان برگزار شد که شامل توافقات مهمی بود. تهران در اسفند ۱۴۰۰ میزبان وزیر خارجه عمان بود و او دعوت‌نامه سلطان عمان را به ریاست‌جمهوری تقدیم کرد. در ادامه، وزیران خارجه دو کشور دوبار در اسفند ۱۴۰۰ و همچنین در ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ با یکدیگر گفت‌وگوی تلفنی داشتند و امیر عبداللهیان در این تماس‌ها از نقش سازنده عمان در حل و فصل برخی موضوعات از جمله پرونده زندانیان و

همچنین برقراری آتش‌بس در یمن تشکر کرد (فرهیختگان، ۳ خرداد ۱۴۰۱).

مساعادت عمان در خصوص مذاکرات ایران و عربستان، ایفای نقش سازنده در موضوع پرداخت بدهی انگلستان به ایران، میزبانی از رهبران انصارالله، نمایندگان سازمان ملل و نمایندگان سایر بازیگران مؤثر برای اعمال آتش‌بس در یمن و اخیراً دستور سلطان هیثم برای اجرای توافق‌نامه همکاری دریایی از جمله تحولات رخ داده در مناسبات ایران و عمان بوده است. تلاش برای میانجی‌گری در مذاکرات هسته‌ای ایران، نگاه مثبت به توافق برجام و مخالفت با تحریم ایران، ابراز تحفظ نسبت به برخی از بندهای ضدایرانی مصوب در شورای همکاری خلیج فارس و همچنین رأی ممتنع یا مثبت به نفع ایران در سازمان‌های بین‌المللی و البته جبران آن توسط ایران، از اقدامات دیگر مسقط در سال‌های گذشته بوده است (فرهیختگان، ۳ خرداد ۱۴۰۱).

تأکید دولت سیزدهم بر «سیاست همسایگی» در کنار تحولات مثبت منطقه‌ای و جهانی مانند آتش‌بس موقت در یمن، مذاکرات ایران و عربستان، کاهش بحران کرونا، افزایش قیمت نفت، سرگرم شدن آمریکا و کشورهای اروپایی به بحران اوکراین و کاهش توان دخالت آنها در منطقه، افزایش ناامیدی کشورهای منطقه از اتکا به آمریکا و تلاش برای متنوع‌سازی روابط خارجی و مناسبات اقتصادی در مجموع امکان همگرایی میان کشورهای منطقه را افزایش داده است. از این رو، سفرهای رئیسی به تاجیکستان، ترکمنستان، روسیه، قطر و عمان موجب گشایش جدیدی در روابط منطقه‌ای کشورمان و افزایش تأثیرگذاری کشور بر معادلات منطقه‌ای شد. با توجه به موضوعات مطرح شده و ایجاد امکان تأثیرگذاری بیشتر ایران بر تحولات منطقه، احتمال افزایش فعالیت عمان برای میانجی‌گری در مناقشه یمن و تلاش برای حل این بحران افزایش خواهد یافت.

بحران در همسایگی عمان

عمان و عربستان سعودی دو کشوری هستند که به ترتیب در بخش‌های غربی و جنوبی خود با یمن مرز مشترک دارند. در ادامه قیام‌های مردمی کشورهای عربی علیه حکام دیکتاتور بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ که به «بیداری اسلامی» مشهور شد، مردم یمن در مرحله دوم انقلاب خود، علیه حکومت دست‌نشانده منصور هادی قیام کردند. پیروزی‌ها و پیشروی‌های نیروهای مردمی به رهبری انصارالله موجب فتح صنعاء، پایتخت یمن، محاصره کاخ ریاست‌جمهوری و عقب‌نشینی منصور هادی به سمت عدن در جنوب یمن و

سپس فرار وی به ریاض (۱۳۹۴) شد. در پی تسلط نیروهای مردمی و انصارالله بر بخش‌های بزرگی از یمن، عربستان سعودی با همراهی نظامی، سیاسی و تسلیحاتی نزدیک به ۱۰ کشور دیگر، به منظور مقابله با از دست رفتن نفوذ راهبردی در خاک همسایه جنوبی، دست به حمله نظامی علیه یمن زد. حضور پررنگ و جدی نیروهای وابسته به عربستان سعودی و امارات متحده عربی و نقشه این دولت‌ها برای تسلط بر اراضی یمن، نگرانی‌های شدیدی برای عمان ایجاد کرده است (فیض‌اللهی، ۱۴۰۰).

سابقه میانجی‌گری عمان

با به قدرت رسیدن سلطان قابوس در دهه ۱۹۸۰، عمان سیاست عمل‌گرایی، اعتدال‌گرایی و استقلال سیاست خارجی را در تعامل با سایر کشورها پیش گرفته است. سلطان قابوس با خاتمه دادن به سیاست خارجی انزواطلبانه پدرش، تلاش کرد که عمان بار دیگر به بازیگری فعال در منطقه خلیج فارس تبدیل شود. در واقع تا سال ۱۳۴۹، عمان فاقد سیاست خارجی بود، اما با روی کار آمدن سلطان قابوس، اصول مشخصی همانند پایبند بودن به واقعیت ژئواستراتژیک، میانه‌روی و اعتدال، گفت‌وگو و منفعت‌گرایی به سیاست خارجی این کشور اضافه شد. وضع این اصول موجب شد که عمان در قبال بحران‌های منطقه‌ای الگوی بی‌طرفی مثبت و دیپلماسی میانجی‌گری را پیش بگیرد. همچنین می‌توان گفت که همواره سیاست خارجی عمان همانند سیاست خارجی دولت‌های دیگر در نظام بین‌الملل تحت تأثیر چند عامل ثابت و پایدار بوده است که می‌توان آنها را در دو دسته کلی عوامل ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری تقسیم‌بندی کرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۹: ۱۹۵).

به دلیل مشکلات عمیق داخلی و تهدیدهای ناشی از شورشیان ظفار در آغاز حکومت، قابوس با امتناع از ورود به مناقشات منطقه‌ای و اتخاذ سیاست بی‌طرفی در بحران‌ها، توان و توجه خود را به اصلاح ساختارهای درونی این سلطان‌نشین معطوف کرد. عدم دخالت در منازعات، اندک‌اندک موجب ظهور ظرفیت دیپلماتیک میانجی‌گری برای مسقط شد. حفظ ارتباط با تهران و بغداد در میانه جنگ تحمیلی هشت ساله، تعامل هم‌زمان با ریاض و تهران در کشاکش اختلافات دو کشور، سعی در حل دیپلماتیک بحران قطر (۲۰۱۷) و ایفای نقش واسطه در گفت‌وگوهای تهران - واشنگتن (۲۰۱۳) از اقدامات میانجی‌گرانه مهم دوران سلطنت قابوس بوده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۹: ۱۹۵).



پس از مرگ قابوس، دولت‌های قطر و کویت به‌واسطه بحران جانشینی و تزلزل در حاکمیت عمان، نسبت به جایگاه دیپلماتیک سنتی عمان چشم طمع داشتند و در این مسیر، اقدامات زیادی انجام دادند. اکنون با گذشت یک سال از مرگ سلطان قابوس، عمان در تلاش است نقش سنتی خود را بازپس گیرد. «هیشم بن طارق»، جانشین سلطان قابوس، برای احیای نقش میانجی‌گرانه عمان در منازعات و مناقشات منطقه‌ای و استفاده از بحران یمن برای نیل به این موضوع تلاش می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۹: ۱۹۵).

موقعیت ژئوپلیتیکی یمن

از نظر جغرافیای انسانی، یمن کشوری با ۱۱ میلیون نفر جمعیت است. دین رسمی یمن اسلام است و از نظر جمعیتی، شیعیان زیدی و سنی‌های شافعی مهم‌ترین فرقه‌های مذهبی این کشور هستند. شیعیان زیدی بیشتر در مناطق شمال و شمال شرقی یمن ساکن هستند و شافعی‌مذهب‌ها بیشتر در مناطق جنوبی و غربی سکونت دارند. فرقه اسماعیلیه و شیعیان دوازده امامی نیز در این کشور حضور دارند (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۱۳).

یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان قرار گرفته است و مرزهای دریایی گسترده‌ای در دریای سرخ و خلیج عدن دارد. موقعیت راهبردی این کشور به‌لحاظ اشراف بر شاخ آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سقطری، اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است. علاوه بر این، اشراف این کشور بر تنگه باب‌المندب اهمیتی مضاعف به آن از نظر تأمین امنیت انرژی و حمل و نقل کالا بخشیده است. در واقع درصد زیادی از رفت و آمدی که در کانال سوئز صورت می‌گیرد از باب‌المندب هم می‌گذرد؛ پس به همان میزان که کانال سوئز حائز اهمیت است، باب‌المندب هم مهم است (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۹۸).

امنیت تنگه باب‌المندب برای همه کشورهای ساحلی دریای سرخ از نظر حمل و نقل کالا و تسلیحات حائز اهمیت اساسی است؛ برای مثال در جنگ ۱۹۷۳ مصر و سوریه ضد رژیم صهیونیستی، جمهوری عربی یمن در هماهنگی با قاهره، تنگه باب‌المندب را به روی ورود کشتی‌ها و تسلیحات رژیم صهیونیستی بست و با این کار به‌نحو مؤثری مانع استفاده رژیم صهیونیستی از بخشی عمده از نیروی دریایی خود و ضربه زدن به مصر از طریق دریای سرخ شد که تأثیر فراوانی بر سیر عملیات جنگی در جبهه سینا داشت. تجارت و گردشگری در شهرهای مهمی مانند جدّه و ینبع (عربستان سعودی) و ده‌ها شهر ساحلی دیگر دریای سرخ تا حد زیادی به امنیت و آرامش در تنگه باب‌المندب وابسته است (میررضوی و احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۱۰). به



همین دلیل، آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال اطمینان از کنترل باب‌المنندب و خلیج عدن هستند. باب‌المنندب گلوگاه راهبردی مهمی برای تجارت دریایی بین‌المللی و کشتیرانی و نیز انتقال انرژی است. اهمیت آن به اندازه اهمیت کانال سوئز برای کشتیرانی دریایی و تجارت دریایی بین آفریقا، آسیا و اروپاست.

به گفته اسپایکمن، موقعیت جغرافیایی نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند. یکی از موقعیت‌های جغرافیایی مؤثر در سیاست خارجی، تنگه‌های بین‌المللی هستند. میان تنگه‌های راهبردی جهان، تنگه هرمز از اهمیتی ویژه برخوردار است. عمان به دلیل قرار گرفتن در گذرگاه تنگه هرمز دارای ارزش راهبردی است. این کشور از طریق یک بخش سرزمینی جدا از خاک اصلی اش در رأس شبه جزیره مسندام بر تنگه هرمز (نقشه ۱) و خطوط کشتیرانی بین‌المللی مسلط است (Searle, ۱۹۸۸: ۸۳۶).



نقشه ۱: موقعیت ژئوپلیتیکی عمان و شبه جزیره مسندام در تنگه هرمز

مشرف بودن بر اقیانوس هند، دریای عمان و دریای عرب و همسایگی با عربستان سعودی، یمن، امارات متحده عربی و ایران از طریق تنگه هرمز سبب شده است که عمان در یک ژئوپلیتیک شکننده قرار بگیرد (نقشه ۲). برای نمونه، شورش جنبش ظفار و حمایت جمهوری دموکراتیک یمن از این جنبش و همچنین دخالت ایران برای سرکوب این شورش سبب شده است که حاکمان عمان متأثر از این حافظه تاریخی و با درک شکنندگی ژئوپلیتیک این کشور، از درگیر شدن در بحران‌های خاورمیانه اجتناب ورزند.



نقشه ۲: موقعیت ژئوپلیتیکی عمان

موقعیت ژئوکالچری عمان

تفاوت‌های مذهبی- قبیله‌ای و کشمکش‌های درونی از یک سو و درگیری با قبایل کشورهای شبه جزیره عربستان از سوی دیگر، تاریخ عمان را با درگیری و احساس تهدید همراه کرده است. این تهدیدها سبب شد که سلطان قابوس در سیاست خارجی خود بر هویت مشترک و ارزش‌های مذهبی تأکید کند (Valeri, ۲۰۰۷: ۴۷۰).

شبکه ژئوکالچری عمان موقعیت منحصر به فردی به این کشور اعطا کرده است تا بتواند سیاست بی‌طرفی مثبت و نقش میانجی‌گری را در بحران‌های منطقه خاورمیانه ایفا کند. از یک سو اکثریت قومیت عرب و اصل هم‌جواری حاکم بر سیاست خارجی عمان سبب شده است که این کشور با کشورهای عربی روابط خوبی برقرار سازد. از سوی دیگر، عواملی همانند اکثریت مذهب اباضیه، وجود جمعیت شیعیان اسماعیلیه و نیز مهاجران ایرانی بلوچ در این کشور سبب شده است تا با ایران نیز به‌طور طبیعی اشتراک منافع پیدا کند و همواره روابط حسنه با کشورمان داشته باشد.

سابقه میانجی‌گری عمان در روابط میان اعراب

پادشاهی عمان در کاهش اختلافات داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره نقش مثبتی داشته است. مسقط از تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق در دهه ۱۹۹۰ حمایت و هم‌زمان برای بهبود روابط سیاسی با بغداد تلاش کرد. در این راستا، در بحران عراق و سازمان ملل بر سر بازرسی‌های تسلیحاتی در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۶، با استفاده

کمیسیون ویژه سازمان ملل از اقدامات نظامی برای مجبور کردن عراق برای بازرسی از قابلیت‌های تسلیحاتی‌اش مخالفت کرد (Lefebvre, ۲۰۰۹: ۱۰۱).



عمان با اتخاذ سیاست اعتدال در قبال بحران کویت و اشغال این کشور توسط عراق، فرصت رهبری مذاکرات و تماس‌ها میان طرف‌های درگیر را در اختیار گرفت. این سیاست ضمن تأکید بر آزادسازی کویت، بقای عراق در جهان عرب را نیز به‌دنبال داشت (Nawwar, ۱۹۹۲: ۸۶).

عمان در بحران کویت بر این عقیده بود که این بحران باید درسی برای جلوگیری از درگیری‌های آینده با پیمان‌های چندجانبه باشد. پس از آغاز ناآرامی در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه و در اوج آن گسترش بحران در سوریه، عمان نخستین کشور عربی منطقه خلیج فارس بود که ولید المعلم به آنجا سفر کرد. عمان برخلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، پس از آغاز بحران سوریه، روابط دیپلماتیک خود را با این کشور حفظ کرد و با سفر یوسف بن علوی در تابستان ۱۳۹۰ به سوریه، روابط عمان و سوریه همچنان ادامه یافت (Aboud, ۲۰۱۵: ۳).

عمان در سال ۱۳۹۰ در تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب به سایر کشورهای عربی پیوست، اما روابط خود را با دولت سوریه متوقف نکرد. عمان برخلاف کشورهای عربی مثل عربستان، هیچ تلاشی برای تسلیح مخالفان حکومت مرکزی سوریه نکرد. در سال



۱۳۹۸، یوسف علوی، وزیر امور خارجه عمان، برای انتقال پیام ایالات متحده به اسد و بحث درباره ثبات منطقه‌ای، از دمشق بازدید کرد.

در قبال بحرآن یمن نیز گرچه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سفارتخانه‌های خود را از صنعا به عدن منتقل کردند، عمان از انجام این کار امتناع کرد. مقامات عمان در هراس هستند که افزایش بی‌ثباتی در شبه‌جزیره عربستان موجب ایجاد پایگاه‌هایی در عمان برای نیروهای تندرو افراطی همانند داعش و القاعده به دلیل مرز مشترک عمان و یمن شود. یوسف بن علوی اندکی پس از مداخله ائتلاف به رهبری عربستان اعلام کرد که «هدف ما صلح است. ما نمی‌توانیم در تلاش برای ایجاد صلح به‌طور هم‌زمان بخشی از یک کارگزار نظامی باشیم و این در قانون اساسی ماست. ما نیروهای خود را به هیچ‌جا نمی‌فرستیم مگر اینکه سازمان ملل درخواست کند» (Lefebvre, J. A. ۲۰۰۹). از سال ۱۳۹۴، مقامات عمان در تلاش هستند کانال ارتباطی بین نمایندگان حوثی و سعودی ایجاد کنند.

نماینده سازمان ملل متحد در امور یمن در سال ۱۳۹۷ نقش عمان را در کمک به مردم یمن نقشی اساسی توصیف کرد. آخرین دور گفت‌وگوها، که در سپتامبر ۱۳۹۸ آغاز شده است، بر مواردی مانند بازگشایی فرودگاه بین‌المللی یمن در صنعا و ایجاد یک منطقه حائل در امتداد مناطقی از مرز یمن و عربستان تحت کنترل حوثی‌ها متمرکز شده است (Aljazeera, ۲۰۲۰).

روابط عمان و عربستان

از دی ۱۳۹۹ که هیشم بن طارق آل سعید در عمان روی کار آمد، به‌رغم تلاش برای حفظ خطوط کلی ایجادشده توسط قابوس بن سعید، پادشاه سابق، تغییری در سیاست خارجی عمان پدید آمد. بعد از سال ۲۰۲۰ عمان و عربستان به یکدیگر نزدیک شده‌اند. نزدیکی دو کشور همسایه حاشیه خلیج فارس در اشکال مختلف از جمله امضای سرمایه‌گذاری به ارزش ۳۰ میلیارد دلار در بخش‌های انرژی، مراقبت‌های بهداشتی، صنایع دارویی، توسعه املاک، گردشگری، پتروشیمی، تولید، صنایع غذایی، کشاورزی، حمل و نقل و سرمایه‌گذاری در منطقه «الدقم» نمود پیدا کرد. همچنین اولین جاده زمینی میان دو کشور افتتاح شد که به «جاده راهبردی» توصیف می‌شود و از شهر «عبری» در استان «الظاهره» عمان شروع و به تقاطع «بطحاء» عربستان ختم می‌شود و ۷۲۵ کیلومتر است. علاوه بر این، ریاض از بنادر عمان به‌عنوان جایگزین بندر جبل علی امارات بهره‌می‌برد. مسقط نیز



از طریق نزدیک شدن به ریاض، درصدد تکیه بر پشتوانه‌ای است که معتقد است به بهترین نحو می‌تواند نگرش‌های خصمانه امارات را مهار کند (ایسنا، ۳ اسفند ۱۴۰۰).

نگرانی‌های مسقط از بحران صنعاء

عمان و امارات متحده عربی به‌صورت تاریخی رقبای منطقه‌ای به‌شمار می‌روند. قدرت گرفتن نیروهای وابسته به امارات در حاشیه جنوبی یمن، در جزیره سقطری و تنگه باب‌المندب، موازنه قوای منطقه‌ای را به ضرر عمان تغییر می‌دهد. همچنین حضور نظامی عربستان سعودی در استان المهره در مرزهای غربی این کشور، تهدید دیگری برای سلطان‌نشین عمان است. مطابق آخرین برآوردها، عربستان سعودی تنها در سه سال گذشته چیزی حدود ۱۷ تأسیسات نظامی در استان المهره یمن بنا کرده که باعث جدی‌تر شدن نگرانی‌های مقامات عمانی شده است.

بهانه عربستان سعودی برای حضور نظامی در استان المهره، جلوگیری از ارسال سلاح، مهمات و تجهیزات موشکی است که ادعا می‌شود از جانب ایران برای نیروهای انصارالله فرستاده می‌شود. مطابق ادعاهای طرف سعودی، محموله‌های ارسالی سلاح و تجهیزات از طریق مرز عمان به استان المهره وارد و سپس به‌سمت نیروهای انصارالله هدایت می‌شود. اما سران و مقامات عمانی بارها این ادعا را تکذیب کرده‌اند.

مرز مشترک عمان با یمن و نگرانی از گسترش ناامنی

استان المهره در شرق یمن، دارای دومین وسعت سرزمینی بین استان‌های یمنی است. مهم‌ترین حضور و تأثیرگذاری مسقط بیرون از مرزهای خود نیز متمرکز بر استان المهره یمن است. اعطای کمک‌های انسانی و حق شهروندی از اقداماتی است که مسقط به‌صورت سنتی از آن برای حفظ نفوذ خود بین ساکنان محلی المهره بهره‌جسته است. علاوه بر مرز مشترک و روابط قبیله‌ای و مشابهت زبانی بین ساکنان المهره و استان ظفار عمان، فرهنگ، سنت و آداب مشترک بسیاری وجود دارد. شورش ظفار (بین سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۶۲) در عمان که از مهم‌ترین وقایع تاریخ این کشور بوده، اهمیت استان المهره را برای مسقط از نظر امنیتی دوچندان کرده است، زیرا المهره همیشه پایگاهی برای شورشیان علیه دولت مرکزی عمان بوده است.

مرز مشترک طولانی عمان با یمن و حضور نیروهای اشغالگر سعودی و اماراتی در محدوده سرزمینی نزدیک به خاک عمان، نگرانی‌های امنیتی این سلطان‌نشین را نسبت به

بحران یمن تشدید می‌کند. حضور و نقش آفرینی القاعده، شاخه شبه‌جزیره، و هسته‌های پراکنده‌ای از تروریست‌های داعش در بحران یمن باعث شده است که حاکمان عمان نسبت به حل هرچه سریع‌تر بحران و جلوگیری از ورود احتمالی این گروه‌ها به اراضی این کشور، اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار دهند.

سیاست خارجی و الگوی رفتاری عمان

در طول چهار دهه اخیر، سلطنت عمان سیاست خارجی منحصر به فردی به کار گرفته است. این سیاست از ۱۳۴۹ پس از آنکه سلطان قابوس قدرت را به دست گرفت، آغاز شد. او به سرعت به سمت توسعه اقتصادی عمان رفت و دست به اقداماتی اصلاحی در حوزه‌های اجتماعی، آموزش و پرورش، سیاسی و سیاست خارجی و فرهنگی زد که به رنسانس عمان شهرت یافته است. سیاست خارجی عمان را می‌توان دارای چند ویژگی و مولفه خاص دانست که عبارت‌اند از: گرایش پایدار به ملاحظات ژئوپلیتیکی در عین اولویت‌بخشی به حفظ روابط خوب؛ پرهیز از ورود به تقسیم‌بندی‌های ایدئولوژیک (به‌علت ویژگی‌های خاص مذهبی عمان)؛ تلاش برای ایجاد اجماع و همکاری در موضوعات مختلف؛ تأکید بر تسامح و تحمل برای رسومات و اعمال و رفتار نیروهای خارجی در منطقه (بیوک و اکرامی‌نیا، ۱۳۹۸).

روابط و واکنش سیاسی دولت‌ها در عرصه خارجی، تابعی از موقعیت ژئوپلیتیک آنهاست و همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی کشورها برقرار است. عمان، به‌رغم حضور در منطقه بحران‌زای خاورمیانه، سیاست خارجی متمایز و منحصر به فردی داشته است. در تحلیل سیاست خارجی عمان مشاهده می‌شود که این کشور ضمن رعایت بی‌طرفی مثبت و عدم ورود به بحران‌ها و حوادث منطقه‌ای، با رعایت موازنه روابط در تعاملات و به‌کارگیری مواضع اعتدالی و میانه، نقشی مهم در کاهش سیاست‌های تنش‌آمیز برخی کشورها دارد. تنش‌زدایی و روابط مثبت و سازنده با همه کشورهای منطقه و جهان، عمان را به یک میانجی برای حل و فصل مسائل و مشکلات منطقه تبدیل کرده است. هدف اصلی این کشور در عرصه سیاست خارجی و داخلی تأمین ثبات و امنیت و بهبود وضع اقتصادی است که در بستر امنیت در منطقه و حل مسالمت‌آمیز رخدادهای تأمین می‌شود. بدین ترتیب، تأمین منافع ملی سبب شده است تا بی‌طرفی و تنوع ارتباطات خارجی جزو اصول سیاست خارجی عمان قرار بگیرد. بنیاد اصلی این نوع الگوی رفتاری برپایه عوامل متعدد ژئوپلیتیکی است که تاکنون از عمان تصویری از آرامش و ثبات ترسیم کرده است (بیوک و اکرامی‌نیا، ۱۳۹۸).



اقدامات عمان برای حل مناقشه یمن

تلاش‌های دیپلماتیک چندین کشور و در صدر آنها عمان برای توقف جنگ خانمان‌سوز عربستان علیه یمن به‌نوعی هماهنگی بین گروه‌های درگیر در این کشور انجامیده و مشاوره‌ها و گفت‌وگوهای مفیدی بین طرف‌های درگیر یمنی صورت گرفته است. عربستان سعودی نیز نسبت به شکست تداوم عملیات نظامی خود به یمن به اقناع رسیده و با گروه‌های یمنی در خصوص مجموعه‌ای از نقاط برای حل بحران و مراحل انتقال حکومت به توافق رسیده است. عمان در سال‌های اخیر نقش میانجی بین طرفین درگیر در جنگ یمن را بازی و سعی کرده به هر شیوه با توقف این تجاوز، از ادامه کشتار مردم یمن جلوگیری کند؛ از این‌رو در ماه‌ها و سال‌های اخیر سلطان‌نشین عمان چندین بار میزبان مقامات انصارالله یمن، دولت سعودی و مقامات آمریکایی برای حل بحران یمن بوده است.

حل مناقشه یمن، فارغ از میل عمان به بازیابی نقش میانجی‌گرانه در معادلات منطقه‌ای، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی عمان است. شاید بتوان یکی از دلایل عمده به‌رسمیت شناختن تلویحی انصارالله توسط مسقط و مخالفت این کشور با تداوم درگیری‌ها در یمن را نارضایتی دولت عمان از قدرت یافتن کشورهای نظیر امارات و عربستان سعودی در مرزهای جنوبی این کشور دانست.

مهم‌ترین بخش سیاست خارجی عمان طی دوران پس از جنگ‌های داخلی این کشور، حضور به‌عنوان میانجی در بسیاری از مناقشات منطقه‌ای به‌خصوص در خلیج فارس بوده است. نظریه جاکوب برکوویچ که بیشتر تحت تأثیر عوامل تعیین‌شده از جانب کارل استیونس و تام شلینگ است، مبین آن است که میانجی‌گری مانند سایر پدیده‌های سیاسی، زمینه‌های متعدد برای بررسی دارد. نکته مهم در آن تشخیص موقعیت و دلایل به‌کارگیری میانجی‌گری توسط میانجی است که این امر از عوامل اصلی و مهم در مبحث بررسی «عمل چانه‌زنی» به‌شمار می‌رود. امکان بررسی میانجی‌گری بدون آنکه این امر در چارچوب طرح کلی «مذاکرات چانه‌زنی» انجام شود، وجود ندارد. در همین راستا، شلینگ خاطرنشان می‌سازد که میانجی احتمالاً به‌عنوان یک عنصر در ترتیبات ارتباطی و بنا به منافی، به‌عنوان طرف سوم وارد مذاکره می‌شود (مرکز آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۲۳ دی ۱۳۹۸).



عدم همکاری عمان در ائتلاف سعودی

بر خلاف سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس، عمان تنها کشوری بود که هیچ‌گاه حاضر به مشارکت در ائتلاف به رهبری سعودی علیه یمن نشد. عمان نهایت سعی خود را برای حفظ رویکرد بی‌طرفانه در درگیری‌های یمن انجام داده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به اجازه تراکنش‌های مالی متعدد به خالد بن علی عبدالله صالح، پسر رئیس‌جمهور سابق یمن، حتی پس از تحریم او توسط سازمان ملل اشاره کرد.

عمان (به‌عنوان میانجی بین دولت نجات ملی یمن و ائتلاف متجاوز سعودی) تلاش خود را برای یافتن راه‌حلی که همه طرف‌ها را راضی کند، ادامه می‌دهد. در همین زمینه، منابع ذی‌ربط در صنعا در گفت‌وگو با الاخبار تصریح کردند که «اگر این بار پاسخ رضایت‌بخشی به «مطالبات بشردوستانه» (دولت نجات ملی یمن از سوی ائتلاف متجاوز سعودی) داده نشود و در نتیجه آن اوضاع به‌سمت تشدید تنش پیش برود، نبرد (با ائتلاف متجاوز) در نوع خود بی‌نظیر خواهد بود و همه گستره جغرافیایی از دریای سرخ، باب‌المنذب و آرامکو در عمق عربستان تا همچنین عمق امارات را در بر خواهد گرفت» (ایرنا، ۱۷ دی ۱۴۰۱).

دولت نجات ملی یمن در مقابل ریاض چهار موضوع اصلی «رفع محاصره، عدم مداخله در امور داخلی یمن، پرداخت غرامت و خروج از یمن» را مطرح و ریاض نیز موافقت اولیه خود را به شرط مذاکره مفصل‌تر اعلام کرده است. از سوی دیگر، عربستان خواستار ضمانت‌هایی شده است که یمن تهدیدی برای عربستان سعودی و امنیت آن نخواهد بود. به نقل از الاخبار، عربستان موضوع تضمین را در مقابل ایران و عمان مطرح کرده و دولت نجات ملی یمن گفته است که چنانچه برطرف کردن نگرانی‌های امنیتی عربستان به این کشور در تصمیم‌گیری قاطع برای پایبندی به آنچه در مذاکرات در خصوص راه‌حل جامع و نهایی پرونده یمن حاصل می‌شود، کمک کند، برای رفع نگرانی‌ها آمادگی دارد (ایرنا، ۱۷ دی ۱۴۰۱).

روابط سازنده عمان با انصارالله

انور الخضری، نویسنده و پژوهشگر سیاسی یمنی، درباره اهمیت نقش عمان می‌گوید: عمان با یمن مرز شرقی دارد و بخشی از شورای همکاری خلیج فارس است، هرچند روابطش با برخی کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه امارات چندین تنش را پشت سر گذاشته است. از این‌رو می‌توان به میزان حضور عمان در صحنه یمن، اما در چارچوب روابط و برنامه‌های متعدد، پی



برد. مسقط مدتی است میزبان رهبران انصارالله و رهبران مختلف یمن بوده است. نقش عمان در میانجی‌گری به دلیل نزدیکی آن به همه طرف‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است زیرا دیپلماسی این کشور بی‌طرف است (ایسنا، ۲۶ دی ۱۴۰۱).

وی افزود: متقاعد کردن انصارالله به آتش‌بس و پایان دادن به جنگ آسان نیست؛ زیرا این امر مشروعیت اقداماتی را که انصارالله به بهانه «تجاوز» انجام می‌دهد، از بین می‌برد و در عین حال عربستان مملو از مطالبات می‌شود و انصارالله را با شروط احاطه می‌کند. در این صورت یا ریاض تسلیم انصارالله می‌شود و در این جنگ شکست می‌خورد یا انصارالله پیروز می‌شود و همان‌گونه که می‌خواهد، یمن را پس می‌گیرد. در مجموع دو طرف در محصله‌ای قرار دارند که قابل حل نیست (ایسنا، ۲۶ دی ۱۴۰۱).

عمان به صورت رسمی میزبانی هیئت مذاکره‌کننده یمنی و چهره‌های شناخته‌شده انصارالله را در این کشور پذیرفته است و اعضای این جنبش به صورت رسمی از خدمات پزشکی و درمانی عمان استفاده می‌کنند. البته این رویکرد مثبت دوسویه است و انصارالله نیز با وساطت و میانجی‌گری سلطان هیشم بن طارق، دو آمریکایی زندانی در یمن را آزاد کرد. حضور هیئت نمایندگی انصارالله برای مذاکرات صلح در کشورهای دیگر نظیر کویت نیز با پروازهای عمانی از طریق مسقط انجام گرفته است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که عمان بر خلاف سایر کشورهای عرب، هیچ‌وقت نسبت به جنبش انصارالله تلقی دشمنی نداشته است، همواره روابط مثبت و سازنده خود را با این جنبش ادامه داده و آنها را به‌عنوان نمایندگان بخشی مهم و تأثیرگذار در آینده سیاسی یمن پذیرفته است.

با ملاحظه تسلط تقریباً کامل جنبش انصارالله بر یمن شمالی (تنها بخشی از شمال یمن که هنوز در سیطره انقلابیون یمنی قرار نگرفته، استان مأرب است که همچنان شاهد درگیری بین نیروهای انصارالله و نیروهای حامی دولت هادی است) و حضور بیش از ۷۰ درصد جمعیت یمن ذیل مناطق تحت نفوذ انصارالله، نادیده گرفتن این جریان توسط عمان در محیط پرتنش منطقه‌ای، ناپختگی و بی‌تجربگی سیاستمداران این کشور را نشان خواهد داد.

تعامل عمان با آمریکا برای حل دیپلماتیک مناقشه

مقامات آمریکایی همیشه بر این باور بوده‌اند که ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی در دستیابی به اهداف خود در یمن از طریق اعمال قدرت نظامی ناکام خواهد بود. هرچند سنجش اعتبار این ادعا تنها در پایان یافتن محاصره و آتش‌افروزی طرف سعودی

علیه یمن امکان‌پذیر است، باید دید که ایالات متحده برای عملیاتی کردن سخنان خود چه طرحی دارد و در مقام اجرا چه میزان فشار بر ریاض را برای پایان محاصره دریایی و هوایی صنعاء و پذیرش آتش‌بس عملیاتی می‌کند.

افرادی که در حال حاضر در قامت مسئولان سیاست خارجی دولت بایدن قرار گرفته‌اند، سابقه همکاری با مقامات عمانی را در پرونده مذاکرات هسته‌ای ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در دولت اوباما دارند و این امر موجب تسهیل و پیشرفت گفت‌وگوهای صلح یمن خواهد شد. به نظر می‌رسد این ارتباطات می‌تواند مبنای تلاش‌های دیپلماتیک دولت عمان و ایالات متحده قرار بگیرد.



«بدر بن حمد بن حمود البوسعیدی»، وزیر امور خارجه عمان، در مصاحبه با روزنامه سعودی «الشرق الاوسط»، به مسائل مختلفی از جمله نقش ایران در منطقه و پرونده یمن پرداخته است. ترجمه فارسی این مصاحبه در پایگاه خبری آفتاب به تاریخ ۱۹ تیر ۱۴۰۰ منتشر شده است که بخشی از این سؤال‌ها و پاسخ‌های وزیر امور خارجه عمان در ادامه می‌آید:

■ مهم‌ترین مسائل سیاسی که سلطنت عمان و عربستان سعودی برای ایجاد راه‌حل مشترک برای مسائل منطقه در خصوص آن با یکدیگر هماهنگی دارند، چه مواردی است؟

مسائل بسیاری وجود دارد؛ اما در پاسخ به سؤال شما به‌طور خاص به مسئله یمن که هم در سطح خود یمن هم در سطح منطقه و عرصه بین‌الملل بسیار مورد توجه است، اشاره می‌کنم. ما به‌صورت مستمر و باتلاش بسیار برای پایان دادن به رنج ملت برادر یمن، متوقف کردن جنگ و کمک- تا جای ممکن- برای برقراری صلح و ثبات در این کشور تلاش می‌کنیم. این کشور همسایه ماست. ما دین، زبان و پیوندهای مشترک، روابط فرهنگی و اجتماعی با آنها داریم.



■ **سلطنت عمان تأکید دارد برای نهادینه کردن امنیت، ثبات و صلح در منطقه تلاش می‌کند. مهم‌ترین گام‌هایی که برای حل بحران یمن برداشته‌اید، چیست؟**

مهم‌ترین گام‌هایی که برای حل این بحران برداشته شده، حمایت نامحدود از تلاش‌های انجام‌شده در این خصوص است؛ چه در چارچوب تلاش‌های سازمان ملل متحد از طریق فرستاده دبیرکل در امور یمن و هماهنگی دائم ما با او و همچنین با فرستاده آمریکا یا در سطح کمک به تلاش‌ها، ابتکار عربستان سعودی و توافق ریاض. هدف مشترک ما پایان دادن به این جنگ در بستری است که در آن احترام به دغدغه‌های همه طرف‌ها حکم‌فرما باشد. از سوی دیگر، هدف ما کمک به دستیابی به تفاهماتی هم‌ساز است که ثبات مطلوب را برای یمن و یمنی‌ها و همزیستی‌ای امن را برای همه، یمن و کشورهای همسایه تأمین کند.

■ **در برخی اخبار از ابتکار عمان برای حل بحران یمن صحبت شد؛ به‌ویژه آنکه یک هیئت عمانی ماه گذشته به صنعاء سفر کرد. این ابتکار مبتنی بر چه چیزی است؟ هیچ ابتکار عمانی‌ای در کار نیست، بلکه تنها تلاش عمان برای همسو کردن همه طرف‌هاست.**

■ **سلطنت عمان برای تشویق طرف‌های درگیر یمن برای نشستن پای میز مذاکرات و حل و فصل بحران در آنجا چه گام‌هایی برداشته است؟**

ما بر این باوریم که همه طرف‌ها خواهان حل و فصل بحران هستند و صلح می‌خواهند. ما در تلاش هستیم این هدف را با تلاش برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و حل و فصل ابعاد اختلاف میان آنها محقق کنیم.

مذاکرات عمان با طرف‌های تأثیرگذار

در راستای تلاش برای حل دیپلماتیک بحران یمن و جلوگیری از ادامه بحران، در ۲۱ دی ۱۴۰۱ هانس گراندرگ، فرستاده سازمان ملل در امور یمن، با بدر بن حمد البوسعیدی، وزیر خارجه عمان، در مسقط دیدار کرد. دو طرف در این دیدار به تبادل دیدگاه درباره تلاش‌های مربوط به تحقق صلح در یمن و خواسته‌های ملت این کشور برای برقراری امنیت و ثبات پرداختند و تحقق این امر از طریق روند سیاسی با مشارکت همه طرف‌های یمنی و حمایت جامعه جهانی را مورد تأکید قرار دادند (ایران پرس، ۲۱ دی ۱۴۰۱).

دیدار فرستاده سازمان ملل در یمن با وزیر خارجه عمان در حالی است که یک هیئت رسمی این کشور روز گذشته در تکمیل گفت‌وگو با مقامات دولت نجات ملی یمن به صنعا سفر کرد. عمان با هدف زمینه‌سازی برای حل بحران یمن از طریق مذاکرات، تلاش‌های دیپلماتیک زیادی انجام داده است. پیش از این در آوریل ۱۴۰۱ با میانجی‌گری هانس گراندرگ آتش‌بس دو ماهه در جنگ یمن اعمال و دو بار نیز تمدید شد؛ اما از آنجا که عربستان سعودی از انجام تعهدات خود شانه خالی کرد، از اکتبر گذشته آتش‌بس تمدید نشد (ایران پرس، ۲۱ دی ۱۴۰۱).

در ۲۰ دی ۱۴۰۱ هیئت میانجی‌گر عمان میان طرف‌های یمنی و سعودی برای ادامه تلاش‌های مسقط به منظور تمدید آتش‌بس به عربستان سفر کرد. دیدارهای فشرده بین صنعا و مسقط نشان‌دهنده جدیت برای رسیدن به گام‌های ملموس است.

هیشم بن طارق آل سعید، سلطان عمان، رئیس‌جمهوری ایران را برای مذاکره به کشورش دعوت کرد. در دیدار روز دوشنبه ۲۳ مه (۲ خرداد ۱۴۰۱) رئیسی و سلطان عمان در مسقط، پایتخت این کشور، درباره روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوجانبه گفت‌وگو کردند. دعوت سلطان عمان همچنین در خدمت حفظ نقش مهم این کشور به عنوان پل ارتباطی و میانجی‌گری فعال است. اینفای چنین نقشی برای عمانی‌ها بخشی از ابعاد راهبرد جهانی خود این کشور است که همواره به‌ویژه از سوی آمریکا به رسمیت شناخته شده است (ایرنا، ۲ خرداد ۱۴۰۱).

نتیجه‌گیری

عربستان سعودی در ۶ فروردین ۱۳۹۴ با تشکیل ائتلافی از کشورهای منطقه، تهاجم گسترده و ویرانگری را علیه یمن آغاز کرد که بسیاری از زیرساخت‌های حیاتی این کشور را نابود کرده است. طی این سال‌ها هزاران شهروند یمنی که بیشتر آنها زنان و کودکان بوده‌اند، بر اثر حملات هوایی جنگنده‌های سعودی جان خود را از دست داده‌اند.

سلطان هیشم بن طارق، پادشاه جدید عمان، در اولین سخنان پس از انتصاب خود اعلام کرد که سیاست‌های سلطان قابوس را دنبال خواهد کرد و به توافق‌نامه‌های امضاشده عمان با سایر کشورها و سازمان‌های مختلف پایبند خواهد بود. وی بیان کرد که کشورش به همکاری خود با سازمان ملل برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی ادامه خواهد داد و روابط دوستانه با همه کشورها خواهد داشت. وی گفت که سیاست خارجی عمان مبتنی بر

ادامه سیاست خارجی دوران سلطان قابوس خواهد بود و مبنای آن عدم دخالت در امور داخلی کشورها و رعایت حسن هم‌جواری است.

توانایی عمان در بازی موفق در نقش میانجی و مدیریت برخی تنش‌های منطقه‌ای تابع چند متغیر مهم است: در وهله اول، عمان کشوری است که پس از استقلال، روابط بسیار خوبی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی دارد. روابط متوازن این کشور با قدرت‌های جهانی به‌ویژه انگلستان و آمریکا، طی سال‌های پس از جنگ‌های داخلی باعث شده است که این کشور بتواند خود را به‌عنوان یک کشور مورد اعتماد برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای معرفی کند. از طرف دیگر عمان پس از انقلاب اسلامی ایران، تلاش کرده است روابط متوازی را با کشورهای منطقه و به‌خصوص قطب‌های رقیب مانند ایران، عربستان، ترکیه، قطر و اسرائیل شکل دهد. مسقط به‌عنوان کانال پشتیبان مذاکرات بین ایالات متحده و ایران در زمینه برجام برجسته عمل کرد. قابوس همچنین برای حفظ روابط با عربستان سعودی و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس، تلاش بسیاری کرد، اما همواره به اصل عدم مداخله پایبند بود. در فروردین ۱۳۹۴، عمان تنها کشور شورای همکاری خلیج فارس بود که به ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی علیه یمن نپیوست. این بی‌طرفی به‌عنوان ابزار وساطت برای آزادی چندین گروگان خارجی که توسط جناح‌های درگیر در یمن دستگیر شده بودند، به‌کار رفت (مرکز آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۲۳ دی ۱۳۹۸).

عمان با همکاری عربستان سعودی، نمایندگان ویژه سازمان ملل و آمریکا در امور یمن و طرف‌های یمنی درگیر در این کشور با هدف دستیابی به یک توافق سیاسی جامع برای حل بحران کنونی در جمهوری یمن تلاش می‌کند. مسقط طی سال‌های گذشته تلاش‌هایی را برای حل بحران یمن انجام داده است که برجسته‌ترین آن پیشنهاد ابتکار صلح یمن در سال ۱۳۹۶ بود که مورد استقبال گسترده بین‌المللی قرار گرفت. عمان نقش میانجی بین طرفین درگیر در جنگ یمن را بازی می‌کند و میزبان جلسات مسئولان انصارالله و مقامات آمریکایی بوده است.

هم‌زمان با گسترش چشم‌گیر روابط عمان و عربستان در پی سفر سلطان عمان به ریاض، وزیر امور خارجه عمان تأکید کرد که کشورش به پیشبرد تلاش‌ها برای صلح در یمن اهتمام جدی دارد. روابط دوستانه عمان با ایران و با گروه انصارالله (حوثی) برگ برنده عمان در پیشبرد این تلاش‌هاست و نزدیک شدن بیش از پیش عمان به عربستان می‌تواند

موجب شود که عمان وزنه دیپلماتیک و روابط منطقه‌ای خود را برای پایان دادن به جنگ خانمان سوز یمن به کار گیرد.

تجربه میانجی‌گری عمان در روابط میان کشورهای منطقه و همچنین نگرانی‌های امنیتی که عمان به دلیل وجود بحران‌های مختلف در منطقه دارد، می‌تواند به این کشور کمک کند تا نقش مثبت خود را به عنوان یک میانجی میان طرف‌های درگیر و ذی‌نفع بازی کند و پایان‌دهنده این جنگ ۸ ساله شود.





منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- امین آبادی، سیدمحمد (۴ آبان ۱۴۰۱)، «غارت نفت یمن دیگر بدون هزینه نخواهد بود»، روزنامه کیهان، ۴ آبان ۱۴۰۱، قابل دسترسی در پیوند زیر: <https://kayhan.ir/fa/news/۲۵۲۱۵۹/>
- ایران پرس (۲۱ دی ۱۴۰۱)، «رایزنی فرستاده سازمان ملل با وزیر خارجه عمان درباره یمن»، قابل دسترسی در پیوند زیر: https://farsi.iranpress.com/middle_east-i۲۲۵۷۹۱
- ایرنا (۲ خرداد ۱۴۰۱)، «اهمیت سفر رئیسی به عمان از نگاه اندیشکده اروپایی»، قابل دسترسی در پیوند زیر: www.irna.ir/xjJvBW
- آفتاب‌نیوز (۱۹ تیر ۱۴۰۰)، «عمان چه نقشی در یمن و گفت‌وگوهای میان ایران و عربستان دارد؟»، قابل دسترسی در پیوند زیر: <https://aftabnews.ir/۰۰۳۰bQ>
- بیوک، محسن و محمد اکرامی‌نیا (۱۴۰۰)، «تبیین نقش عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی عمان»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۳، ش ۱، بهار.
- خبرگزاری ایسنا (۳ اسفند ۱۴۰۰)، «المهره یمن؛ آزمایشگاهی برای نزدیکی روابط عربستان و عمان به‌دور از امارات»، قابل دسترسی در پیوند زیر: www.isna.ir/xdLAsf
- خبرگزاری مهر (۵ فروردین ۱۴۰۱)، «آغاز هشتمین سال جنگ یمن؛ آل سعود چه هدفی داشت و آیا به آن رسید؟»، قابل دسترسی در پیوند زیر: www.mehrnews.com/xXndV
- درایسدل، آلاسدر و جرالد اچ. بلیک (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر (مهاجرانی)، چ ۵، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دوثرتی، جیمز و رابرت فالترگراف (۱۳۸۴)، نظریه متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۹)، «تأثیر دیپلماسی میانجی‌گری عمان بر نظام امنیتی منطقه خاورمیانه»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام، فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۳، پاییز.
- عموری، عبدالحسین (۱۳۹۸)، «واکاوی و تحلیل زمینه‌ها و اهداف جنگ طلبی آل سعود در یمن»، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، س ۲، ش ۳، پاییز.
- فیض‌اللهی، علی (۱۴۰۰)، پژوهشکده مطالعات راهبردی مجمع تشخیص نظام، ۴ تیر، قابل دسترسی در پیوند زیر: <https://csr.ir/۰۰۰۰Md>

- مرکز آینده‌پژوهی جهان اسلام (۱۳۹۸)، «نگاهی به آینده سیاست‌های عمان»، ۲۳ دی، قابل دسترسی در پیوند <https://iiwfs.com/> زیر:
- میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۸۳)، راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: نشر میزان.
- نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ریشه‌ها و پیامدها»، فصلنامه روابط خارجی، س ۳، ش ۴۱.
- واعظی، محمود (۱۳۸۴)، «مبانی نظری میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی»، دانشنامه حقوق و سیاست، س ۱، ش ۲، بهار.

(ب) منابع انگلیسی

- Aboud, M. (۲۰۱۵), "Can Oman Become a Key Player in the Syrian Crisis?", at: <https://www.middleeasteye.net/news/can-oman-become-key-player-syrian-crisis>.
- Adam, M. & Kuper, J. (۱۹۹۸), The Social Science Encyclopedia, London: Routledge and Kegan.
- Aljazeera (۲۰۲۰), In ۲۰۲۰, Diplomacy in the Gulf May be Easier to Achieve, at: <https://www.aljazeera.com/opinions/۲۰۲۰/۱/۲۱/in-۲۰۲۰-diplomacy-in-the-gulf-may-be-easier-toachieve/>.
- Jafari Valdani, A. (۲۰۱۲), The Geopolitics of the Strait of Hormuz and the Iran – Oman Relations, Iranian Review of Foreign Affairs, ۲(۴), ۷-۴۰.
- Lefebvre, J. A. (۲۰۰۹), Oman's Foreign Policy in the Twenty-First Century, Annual Meeting of the International Studies Association, New York City, February ۱۵-۱۸.
- Nawwar, E. (۱۹۹۲). Oman's Foreign Policy from Isolation to Diplomatic Mediation, Alsiasah Aldowaliah Magazine, First Oct, Quoting Ahram Foundation, available at: <http://digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=۲۱۷۳۹۲>.
- Searle, M. P. (۱۹۸۸), Structure of the Musandam Culmination (Sultanate of Oman and United Arab Emirates) and the Straits of Hormuz Syntaxis, Journal of the Geological Society, ۱۴۵(۵), ۸۳۱-۸۴۵.

- Shamir, Y. (۲۰۱۰), Alternative Dispute Resolution Approaches and Their Application ,UNESCO Publication, Paris.
- Valeri, M. (۲۰۰۷), Nation – Building and Communities in Oman Singe ۱۹۷۰: The Swahili –Speaking Omani in Search of Identity, African Affairs, ۱۰۶(۴۲۴).

